

بسم الله الرحمن الرحيم

شنبه ۲۸ مهرماه ۱۴۰۳، نشست سوم فقه سیاسی، مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام، نهاد تشخیص مصلحت.

مقدمه

پرسش محوری در بحث ما این بود: "آیا نظرات مشاوران برای حاکم دارای موضوعیت است یا طریقت؟". به عنوان مثال، در حال حاضر مجمع تشخیص مصلحت نظام به شناسایی مصالح و مفسد پرداخته و آنها را به رهبری ارائه می دهد. از سوی دیگر، رهبری دارای مشاورانی است؛ حال این سؤال مطرح می شود که آیا رهبری ملزم به پیروی از نظر اکثریت مشاوران خود است یا خیر؟ بر اساس روش متداول، این موضوع در قالب چند نکته بیان می شود:

نکته اول، عدم وجود تعبد از جانب شارع

نکته اول این است که شارع مقدس در این مسئله رویکرد تعبدی ندارد. از منظر روش شناسی، تعیین اینکه آیا موضوع تعبدی است یا عقلی-عقلانی، اهمیت دارد. در این زمینه، عقل و عقلاء به عنوان مرجع اصلی در نظر گرفته می شوند و در صورتی که نصوصی موجود باشد، این نصوص معمولاً به صورت امضایی تلقی می شوند.

نکته دوم، احتیاج حاکم به مشورت

نکته دوم این است که حاکم، در هر سطحی از حکومت، نیازمند کمک و مشورت دیگران است. امیرالمومنین (ع) فرموده اند: "من استبد برأیه هلك، وَمَنْ شَاوَرَ الرَّجَالَ شَارَكَهَا فِي عُقُولِهَا"^۱؛ الفاظ این روایت عام است و شامل اداره کشور و منطقه می شود.

^۱ وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۴۲۵.

نکته سوم، عدم تعیین عقل و عقلاء

نکته سوم آنکه از منظر عقل و عقلاء، نه موضوعیت و نه طریقت برای نظر مشاوران اثبات نمی‌شود. بر اساس نظر تحقیق، عقل در این مسئله نظری قطعی بیان نمی‌کند و هر دو گزینه برای او مطرح است. در طول تاریخ، عقلاء گاهی از نظرات کارشناسان استفاده کرده و بر اساس آن عمل می‌کردند، به طوری که در برخی موارد برای نظر آنان موضوعیت قائل بودند و در مواقع دیگر طریقت. به عنوان مثال، اگر کارشناس در مسئله تعیین مقدار خسارت مبلغی را مشخص کند، نیاز است که هر دو طرف، بدون در نظر گرفتن اطمینان شخصی خود، بر اساس آن مبلغ عمل کنند. از سوی دیگر، در مسئله تشخیص ضرر برای فرد روزه‌دار از سوی پزشک، اطمینان شخصی فرد ملاک قرار می‌گیرد، نه نظر پزشک. بنابراین، از منظر عقل و عقلاء، برای نظرات مشاوران و کارشناسان نه موضوعیت و نه طریقت به طور قطعی اثبات نمی‌شود.

نکته چهارم، اختلاف حوادث

نکته چهارم این است که تشخیص حوادث در یک سطح قرار ندارد. به عنوان مثال، در موضوع فتوای اجتماعی میرزای شیرازی درباره تحریم تنباکو، اختلافی میان علما ایجاد نشد و تشخیص آن روان بود. اما در جریان مشروطه، علما به دو دسته مشروطه‌خواه و مشروطه‌طلب تقسیم شدند که این امر منجر به مسائلی از جمله اعدام مرحوم شیخ فضل‌الله نوری گشت.

نکته پنجم، اختصاص محل بحث به مسائل پیش از اصدار حکم

نکته پنجم این است که محل بحث مربوط به تشخیص مسائل پیش از صدور حکم است، نه بعد از آن. بنابراین، اگر حکمی مثلاً از سوی رهبری صادر شده باشد، بررسی‌ها و کارشناسی‌های مربوط به اجرای حکم که پس از صدور صورت می‌گیرد، از محل بحث خارج است.

تراث دینی

در متون دینی، آیات و روایات بسیاری درباره اهمیت مشورت وارد شده است. قرآن کریم می‌فرماید: "وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ"^۲. بر اساس نظر تحقیق، سند عهدنامه مالک اشتر معتبر است و می‌توان به بندهای آن استناد کرد. امیرالمومنین (ع) در این عهدنامه به مالک اشتر می‌فرماید: "وَأَكْثِرْ مَدَارَسَةَ الْعُلَمَاءِ، وَمُنَاقَشَةَ الْحُكَمَاءِ، فِي تَثْبِيَتِ مَا صَلَحَ عَلَيْهِ أَمْرُ بِلَادِكَ، وَإِقَامَةِ مَا اسْتَقَامَ بِهِ النَّاسُ قَبْلَكَ."، "وَلَا تُدْخِلَنَّ فِي مَشُورَتِكَ بَخِيلًا يَعْذِلُ بِكَ عَنِ الْفَضْلِ وَ يَعِدُّكَ الْفَقْرَ، وَلَا جَبَانًا يُضْعِفُكَ عَنِ الْأُمُورِ، وَلَا حَرِيصًا يُزَيِّنُ لَكَ الشَّرَّ بِالْجَوْرِ؛ فَإِنَّ الْبُخْلَ وَالْجُبْنَ وَالْحِرْصَ غَرَائِزُ شَتَّى، يَجْمَعُهَا سُوءُ الظَّنِّ بِاللَّهِ." در حکمت ۲۱۱ نهج البلاغه نیز آمده است: "الاستشارة عين الهداية، و قد خاطر من استغنى برأيه". علی‌رغم این تأکيدات، هیچ‌یک از این آیات و روایات پاسخ قطعی به پرسش اصلی نمی‌دهند. بنابراین، لازم است به اصل در مسئله رجوع شود. البته، همان‌طور که در آثار متفکرانی چون مرحوم نائینی آمده است، می‌توان از آیات و روایات الزام حاکم به مشورت را برداشت کرد، اما تعیین اینکه این مشورت موضوعیت دارد یا طریقت، قابل استفاده نیست.

اصل در مسئله

به نظر می‌رسد که در این مسئله، اصل بر طریقت داشتن نظر مشاوران برای حاکم است، زیرا مسئولیت نهایی بر عهده حاکم قرار دارد. بنابراین، حتی اگر رهبری به صورت شورایی باشد، نظرات مشاوران شورا نیز دارای طریقت است و مسئولیت متوجه حاکمان است. لازم به ذکر است آنچه بیان شد در امورالله صدق می‌کند، مانند آنچه میرزای شیرازی انجام داد. اما در امورالناس، رأی مردم محترم و متبع است.

^۲ قرآن کریم، سوره آل عمران، آیه ۱۵۹.